

بررسی نگرش‌ها و تحولات حقوقی محیط زیستی در سیر تکاملی

تهمینه عدالت جو^{*}

Dr.edalatju@gmail.com

ندا اشرف زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲

چکیده

حقوق محیط زیست به عنوان یک حق تاثیرپذیر فردی و جمعی با توجه به ایجاد تحول در گستره وسیع در میان مردم بایستی در قالب تکالیف ملی و جهانی به پذیرش رسیده و به هدف و مطلوب تبدیل گردد. در این راه دولت‌ها با قوانین، مقررات، مدیریت و برنامه ریزی‌ها، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها در حیطه فعالیت‌های آموزشی وسیع و تحقیقات مؤثر و منظم می‌توانند جامعه‌ای از شهروندان را اداره نموده تا در سیر تحول اساسی به سوی پایداری زیست محیطی به شکل رفتار پایدار در شهروندان اقدام نمایند. باید با تمام قطعیت اشاره کنیم که ارزش و اهمیت محیط زیست و حقوق مربوط به آن از جمله ارزشهایی است که ارتباط با ملیت‌گرایی از لحاظ گستردگی و همگانی بودن ندارد. در واقع ارزش آن دائمی و نسل به نسل است. در این مقاله تلاش ما بر این بود که از برخورد رفتار شهروندی و محیط زیست، اقدامات مهم در جریان پایداری رفتاری در حفظ محیط زیست سالم و عملکردهای غالب در پیرامون پذیرش و ترغیب شهروندان به شهروندگرایی اکولوژیکی بحث شود و همچنین سیر تحولات محیط زیستی قوانین کشوری و بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: زیست محیطی، شهروند زیست محیطی، رفتار زیست محیطی، تابعیت زیست محیطی، تحولات حقوقی.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب. * (مسئول مکاتبات)

۲- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل.

A Study of Environmental Legal Attitudes and Developments in Evolution

Tahmineh Edalatjoo^{1 *}

Dr.edalatju@gmail.com

Neda Ashrafzadeh²

Admission Date: October 2, 2021

Date Received: February 20, 2021

Abstract

The rights of the environment as an individual and collective right to be influenced by the evolution of the broader spectrum of people must be accepted and pursued in the form of national and global obligations. In this way, governments can govern a community of citizens through laws and regulations and management and planning, universities and colleges in the field of extensive educational activities and effective research. Environmental action in the form of sustainable behavior in citizens. We must point out with all certainty that the value and importance of the environment and its related rights are values that have nothing to do with nationalism in terms of its universality. In fact, there is constant real value-for-money and generation after generation. In this article, we attempt to discuss the behavior of citizenship and the environment, the important steps in behavioral sustainability in maintaining a healthy environment, and the dominant practices around the acceptance and encouragement of citizens to ecological citizenship, as well as the evolution of environmental laws. And it was mentioned internationally.

Keywords: environment, Environmental Citizenship, Environmental Behavior, environmental Nationality, Legal developments.

1- Assistance Professor, Islamic Azad University. West Tehran branch . *(Corresponding Author)

2- MA international law.

مقدمه

محیط زیست سالم به عنوان حقی از حقوق شهروندی مطرح است که در نبود آن احقاق حقوق شهروندی حاصل نمی گردد. تخریب محیط زیست و محیط زیست آلوده سلامتی روحی، روانی و جسمی شهروندان را به مخاطره می اندازد. برای حمایت از حقوق زیست محیطی شهروندی ابتدا باید به تعریف شهروند و حقوق زیست محیطی شهروندی و محدوده رعایت این حقوق از سوی دولت‌مردان و سایر شهروندان پرداخت. ولی محیط زیست را نمی توان به مرزها محدود نمود. در نتیجه بهتر آن است که با دید کلان نگرسیست و شهروند جهانی را مطرح نمود. اعتقاد بر این است بهترین پایگاه دفاع از حقوق زیست محیطی شهروندان در فکر انسان ساخته می شود. آموزش محیط زیست، بخش بنیادین این پایگاه دفاعی است. هدف آموزش باید پیشگیری از اقدامات مخرب باشد. زیرا هزینه ای که جهت درمان تخریب پرداخت می گردد چندین برابر هزینه پیشگیری است. آموزش محیط زیست و بالا بردن سطح آگاهی و دانش زیست محیطی باید شامل تمام گروه های سنی شهروندان و تمام مشاغل گردد از جمله دستگاه های قضایی، قانونگذاران، مجریان و سایر شهروندان. شهروندی نشانه بلوغ فکری انسان به عنوان موجود اجتماعی و حرکت به سوی برابری قانونمداری است. شهروند در برابر قدرتی که میل به فساد دارد سکوت نمی کند، صحبت از طبیعت، بحث پیرامون یک حیات ذی شعور است که اگر انسانها نوع تعامل خود را با آن تنظیم کنند. قطعاً بهره مندی از آن را به بهترین نحو نصیب خود خواهند کرد. نهضت شهروند سازی یکی از شیوه های موثر مقابله با فساد و رانت خواری و تحول در قانونگرایی و ارزشها به شمار می آید. شهروند به قواعد اجتماعی احترام می گذارد و برای ایجاد یک جامعه متمدن و قانونمدار تلاش می کند. در چنین جوامعی احترام به محیط زیست یک اصل پراهمیت محسوب می شود و شهروندان برای رسیدن به شهر امن و پاک تلاش می کنند. از دهه ۱۹۹۰ در اسناد سیاسی، آکادمی و کمپین های نهادی از زبان شهروندی زیست محیطی یا محیط زیست صحبت شده است ولیکن با وجود استفاده گسترده از این اصطلاحات در روابط سیاسی و

شهروندی همچنان در بررسی و کنکاش قرار نگرفت. اکثر رویکردهای زیست محیطی (اکولوژیکی) شامل موارد نظارتی و اقتصادی می باشد اما ایجاد یک جامعه پایدار نیاز به تحقیقات و گفتگوهای علمی دارد تا مشوق های مالی. تغییر نگرش افراد نسبت به محیط زیست چیزی است که رویکرد شهروندی به دنبال دستیابی به آن است (1).

شهروندی محیط زیست:

شهروندی محیط زیست به معنای داشتن دانش، نگرش ها و مهارت هایی در زمینه محیط زیست شهری ست به طوری که این موارد به رفتار طرفدار محیط زیست منجر شود اما در اینجا لازم است بگوییم آیا لفظ شهروندی در زمینه محیط زیست قابل استفاده است یا خیر؟ به عنوان مثال حقوق و مسئولیتهای مربوط به این چیست؟ هر شهروند حق دارد از محیط زیست سالم و پاک برخوردار گردد اما متأسفانه به هر دلایلی مانند رشد بی رویه جمعیت شهرها و افزایش فعالیت واحدهای صنفی، محیط زیست شهری با تهدیدات جدی مواجه است. ایجاد آلودگی به هر شکل آن سلامت روحی، روانی و جسمی شهروندان را به خطر می اندازد و اصلی ترین حقوق شهروندی یعنی حق حیات و سلامتی را خدشه دار می کند به همین دلیل مدیریت و اداره محیط زیست شهری نیازمند هوشمندی و درایت بسیاری است که این امر تنها در سایه وجود قوانین و مقررات شفاف، کارآمد و به روز امکانپذیر است. معنای اصطلاح شهروندی اکولوژیک از آنجایی که یکسان نیست هنوز هم یک مفهوم نوزاد را داراست. چندین پیشنهاد متفاوت در این مورد وجود دارد به عنوان مثال شهروندی و محیط زیست در ارتباط است با؛ تابعیت زیست محیطی (2)، تابعیت سبز (3)، تابعیت محیط زیست (4)، تابعیت معقول محیط زیست (5)، سرپرستی زیست محیطی (6) و پایداری تابعیت (7) این همه گوناگونی در مفهوم به دور از اینکه صرفاً یک موضوع با اصطلاح صرف باشد بیانگر پیچیدگی های آن است. در واقع موقعیت های خاصی وجود دارد که با مفهوم خاص شهروندی زیست محیطی یا یکی از ویژگی های آن مستقیماً در تضاد است به عنوان مثال برای برخی از نویسندگان، فعالیت هایی مانند بازیافت یا مصرف پایدار در دسته وظایف شهروندان اکولوژیک قرار دارد (6, 2). در

حالی که گروه دیگر آن را وظایف خصوصی می دانند مثل حق زندگی یک زندگی سبز. (8) به طور کلی در خصوص تعهد نسل حاضر در برابر آیندگان دو نگرش وجود دارد: ۱- روش حافظان محیط زیست که معتقدند نسل حاضر باید تمام منابع را برای نسل آینده حفظ کند. ۲- گروه دیگری نیز معتقدند هیچ تعهدی در قبال نسل های آینده ندارند و حق دارند هرگونه که می خواهند از منابع بهره برداری کنند. اخیراً روش دیگری تحت عنوان روش بینابینی مطرح شده که نظریه انصاف بین النسلی نام دارد این روش بر این عقیده است که دولتها حتی اگر ندانند که این منابع به کدام نسل تعلق دارد باید حقوق و تعهدات بین النسلی را بر اساس اصول کلی تعیین نمایند (9). آنتروپوسن (نو-انسانی) یک دوره ی زمین شناختی است.

که پس از دوره ی هولوسن روی داده است و اشاره به زمانی دارد که انسان بر سیاره ی زمین تاثیر شگرف و نابودگر می گذارد. سرعت تغییرهای محیط زیستی (مانند تغییرات اقلیمی) که بیشتر مردم زاد نیز می باشد، نیاز به الگوهای جدید را در پرداختن به بخش زنده ی محیط زیست را نیز بیشتر می کند. الگوی "پایداری بوم شناختی" یکی از راهکارها برای بازگرداندن پیوستگی با طبیعت روی زمین است که این نیازمند احترام به اجزای طبیعت به ویژه تنوع زیستی و اقدام علمی در جهت حفاظت و احیای محیط زیست طبیعی است. در واقع رویکرد حفاظتی مبتنی بر "پایداری بوم شناختی" می بایست جایگزین رویکرد انسان - مرکز کنونی در حقوق محیط زیست شود (10).

ارتقاء شهروندی زیست محیطی :

یافته های پژوهشی نشان می دهد که نقش شهروندان دوستدار محیط زیست محدود به الگوی مصرف نیست بلکه شهروندان زمانی می توانند در حفظ محیط زیست موثر باشند که جهان را به مثابه امانت و نه کالایی با ارزش بنگرند. تحقیقات بیان می دارد که شهروندی زیست محیطی از عملکردهای پیچیده نظام کلان و از سویی دیگر با ویژگی های فرد، موقعیت مکانی، ارزش های مادی و معنوی، سلیقه، عقلانیت، احساسات و عادت های شهروندان ارتباط دارد. با آگاهی از تاثیر بر محیط، شهروند زیست محیطی رفتار مسئولانه تری خواهد داشت (11). رویکرد حقوق مشارکتی و رویکرد وظیفه شخصی در تابعیت زیست

محیطی قابل دریافت می باشد. مشارکت شهروندان در تصمیم گیری در مورد محیط زیست به عنوان یک امر مهم در نظر گرفته می شود و با اصلاح قوانین و فرآیندهای سیاسی، تابعیت محیط زیست می تواند نهادینه شود که اهداف چنین اصلاحاتی گسترش حقوق شهروندی می باشد (12). شهروندان باید طبیعت را به عنوان تامین کننده نیاز های اساسی تلقی کنند. (8) همچنین شهروندان باید حق شرکت در سیاست گذاری محیط زیست را به عنوان حقوق شخصی جهت محافظت و ترویج محیط زیست داشته باشند تا آنجا که شهروندان محیط زیست به عنوان شهروندان سیاره زمین شناخته شوند. بهترین نتایج و سیاست ها را بر اساس استدلال و دلایل موجود در گفتمان عمومی می توان دریافت نمود زیرا که به علت رفتار، احترام و فرصت های برابر، موضوعات گوناگونی مطرح می گردد که ترجیحات شهروندان به این طریق احراز و در نظر گرفته می شود که با توجه و تمرکز بر روی آن، سیاست های اصلی و مهم شکل می گیرد و استدلال می شود که شکل گیری و آموزش چنین ترجیحاتی چارچوب خوبی برای فرهنگ شهروندی زیست محیطی می گردد (13). شکی نیست اقداماتی از قبیل تغییرات قیمتی بر روی اشیای دیر باز یافت به طبیعت و خلق راهکارهای جانبی موثر در جعبه ابزار سیاست محیط زیستی جایگاه خوبی دارد. شواهدی از این دست وجود دارد که نشان می دهد رفتارها واقعاً با چنین اقداماتی قابل تغییر هستند و حتی یک خودآزمایی، لحظه ای نشان می دهد که ما نسبت به مجازات ها عکس العمل خواهیم داشت. با وجود این مهم است که بدانیم اگر دولتها روی این روش های تغییر متمرکز شوند رویکرد بسیار خوبی در عرصه سیاست محیط زیست ایجاد خواهد شد (14). یک پیشنهاد این است که مالیات زباله اعمال شود تا راههای ترغیب مردم به دور انداختن زباله کمتر گردد. افرادی که زباله های بیش از حد سهمیه را دور می ریزند مجبورند که مالیات بیشتری بدهند از این نظر مردم می خواهند از پرداخت مالیات زباله خودداری کنند بنابراین این مقدار را کاهش می دهند (15). تابعیت محیط زیست مستلزم این است که رفتار خود علاقه وجود نداشته باشد. شهروندان محیط زیست یک تعهد به منافع مشترک دارند که همیشه می بایست از آن

امروزه حق بر محیط زیست، توسعه یافته ترین موضوعی است که ذیل نسل سوم حقوق بشر و مشخصاً تحت عنوان حقوق همبستگی مورد بحث قرار گرفته و مستقل از حقوق محیط زیست تلقی می شود (19).

رویکردهای متنوع برای حفاظت از محیط زیست:

۱- رویکرد انسان محور

در رویکرد انسان محور حفاظت از محیط زیست بایستی در جهت حفظ منافع انسانی صورت گیرد. عمده ترین توجه این رویکرد بر بقای نوع انسان و نیازهای او، استاندارد های زندگی و حیات انسان است و اگر صحبتی از حفاظت از محیط زیست به میان می آید صرفاً برای تامین این مولفه ها است و نتیجه اینکه اگر تخریب محیط زیست بر این مولفه اثر سوئی نداشته باشد از دید این رویکرد مجاز تلقی می شود (20).

۲- رویکرد طبیعت محور:

در رویکرد طبیعت محور به محیط زیست به عنوان یک کالا نگاه نمی شود بلکه آن را دارای ارزش ذاتی می داند که دارای ارزش ابزاری نیست که پیرو انتفاع بشر از آن مورد ارزیابی قرار گیرد (20). از دید این رویکرد همیشه این حقوق اجتماع نیست که آزادی فردی را محدود می کند بلکه ملاحظات اکولوژیکی و محیط زیستی نیز بایستی در محدودیت آزادی فردی هم لحاظ شود همان طور که ذکر شد در رویکرد طبیعت محور محیط زیست به معنای اعم خود، ارزش ذاتی دارد و به هیچ وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست بلکه فی نفسه و به خودی خود ارزشمند است (21).

۳- رویکرد خالق محور:

در این رویکرد سعی بر آن است که به رابطه انسان با خالق توجه شود و برای آشتی دادن انسان با طبیعت به آموزه ها و اعتقادات دینی تمسک شود. مطابق این رویکرد انسان و طبیعت هر دو مخلوق خداوند هستند (22). در این رویکرد اگرچه انسان ها در مقابل یکدیگر دارای مالکیت خصوصی اما در مقابل خداوند مالک نیستند بلکه به منزله امین در نگهداری و نایب در تصرف هستند (23). در نتیجه همان طور که انسان در محیط اجتماعی

مانند محیط زیست محافظت کنند. در سیاست های زیست محیطی به علایق شخصی به عنوان محرک رفتار سالم از نظر زیست محیطی مورد توجه قرار می گیرد. رفتارهای خود علاقه همواره از امور منافع مشترک به خصوص محیط زیست حفاظت نمی کند. تابعیت محیط زیست تابعیتی در حوزه خصوصی و عمومی است. از منظر محیط زیست همه اقدامات ما اقدامات عمومی هستند حتی آنهاییکه در خانه انجام می شود از قبیل گرم کردن محیط خانه، خنک کردن، مصرف کردن و... در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع با هدف توسعه پایدار، شهروندان باید در تابعیت محیط زیستی حضور داشته باشند و اینکه شهروندی محیط زیست همزمان با مشورت های اقتصادی به عنوان یک روش تغییراتی رفتاری می تواند دنبال شود. تحقیقات نشان می دهد که ابتکار عمل مبنی بر منافع شخصی می تواند رفتار شهروندی را تحت الشعاع قرار دهد و باعث می شود که چنین رفتاری حمایت شود (16). شهروندان مجازند در تصمیماتی که به نام آنها گرفته می شود و بر کیفیت زندگی آن ها اثر می گذارد مشارکت نمایند. نظریه مردم سالاری محلی بر این اساس در برخی از کشورهای پیشرفته همچون فرانسه در قلمرو شهر سازی و مدیریت شهری مطرح و به شهروندان امکان اعتراض به مجوزهای غیر قانونی داده می شود مانند پروانه ساختمان با وجود اشغال فضای شهری. آنان همچنین در فرایند تهیه طرح های شهری و عمرانی از طریق کمیسر تحقیق که توسط دادگاه اداری تعیین و به فرمانداران معرفی می شود، اظهار عقیده می کنند (17). رفتار انسان با طبیعت دوگانه بوده است. در طی چهار قرن پیش بخش اعظمی از جنگل ها برای ایجاد سرپناه تخریب یا به زمین های کشاورزی تبدیل شد. شهرها به حریم دریاها و رودخانه ها تجاوز و توازن محیط زیست را برهم زده اند. انسان از این دیدگاه با زمین مهربان نبوده است. در مقابل سازمان های دوستدار محیط زیست کوشش های گسترده ای برای حفظ آسمان آبی و شهر سبز صورت داده اند. شهروند اکولوژیست نیازمند آگاهی از تصمیماتی است که به نام عمران و توسعه ملی و محلی گرفته می شود و به طور معناداری بر محیط زیست اثر می گذارند (18).

به ارزش ذاتی افراد هم‌نوع خود احترام می‌گذارد باید ارزش ذاتی سایر موجودات طبیعی را نیز محترم بشمارد.

۴- رویکرد جامع‌نگر:

برای یافتن راه حل مناسب و انتخاب رویکرد صحیح به ناچار بایستی در فلسفه حقوق محیط زیست تاملی داشته باشیم چرا که هر کدام از رویکردهای انسان محور و طبیعت محور از دل فلسفه جداگانه‌ای خارج می‌شوند و فهم دقیق فلسفه محیط زیست برای انتخاب راه حل مناسب راهگشاست. در حقیقت فلسفه حقوق محیط زیست عبارت است از نگاه کلی بر چرایی باید ها و نباید های متوجه اعضای حقیقی و حقوقی جامعه در خصوص رعایت مقررات مربوط به هم پیوسته از عوامل بیرونی که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است (21).

شهروندی اکولوژیکی و وظایف شخصی (خصوصی سازی مسئولیت محیط زیست):

بهترین حالت تحقق مفهوم شهروندی توجه به تکالیف و مسئولیت‌ها است که خود لازمه شهروندانی فعال و مشارکت‌گر در فرآیند توسعه پایدار است (24). در این بخش وظیفه شخصی یا رویکرد تغییر سبک زندگی را بررسی خواهیم کرد. ویژگی اصلی این رویکرد تعریف شهروندی اکولوژیکی است. شهروندی محیط زیست صرفاً بر محیط زیست متمرکز می‌شود و هدف از آن ارتقای عدالت جهانی و زیست محیطی است (5). رویکرد وظیفه محور در قبال شهروندی و محیط زیست این است که حوزه خصوصی به عنوان محلی برای فعالیت شهروندان در نظر گرفته شود به عنوان مثال، بازیافت و تحریم محصولات غیر اخلاقی. این روش برای ترویج شهروندی اکولوژیکی مبتنی بر داوطلبانه می‌باشد. اما اجرای سیاست سبز، موضوعی غالب و برجسته را نمایان می‌سازد که نسبت به شهروندی محیط زیست برای ایجاد این امر نیاز به سیاستهای دولت و شرایط و فضای مربوط به اجرای این کار را دارد (25). اصطلاح تابعیت محیط زیست برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ در وزارت کانادا استفاده شده است (26). طبق محیط زیست کانادا (ما به عنوان شهروندان جهان، چنین کاری نمی‌کنیم - سابقه خوبی در

مدیریت محیط زیست داریم - ما خودمان را گرفته ایم و از منابعی که به ما اعطا شده و به ارث برده ایم سوء استفاده نمی‌کنیم) بنابراین ما به عنوان شخصی به عنوان شهروند محیط زیست، به تعهد به یادگیری بیشتر در مورد محیط و مسئولیت پذیری زیست محیطی تشویق می‌شویم. در اینجا مفهوم شهروندی زیست محیطی، وظیفه فردی بر مسئولیت جمعی به عنوان راهی برای رسیدن به هدف پایدار تاکید می‌شود. دولت‌ها می‌دانند که نمی‌توانند به تنهایی اهداف پایداری را تامین کنند. با وجود قوانین زیست محیطی، اهداف سبز بدون همکاری شهروندان برآورده نمی‌شود. شهروندان فقط باید تشویق شوند که شهروندان خوب باشند و تمام تلاش خود را برای محیط زیست انجام دهند (27). علاوه بر این، ابتکارات دولت برای ارتقای شهروندی سبز می‌تواند راهی برای دستیابی به اهداف تعیین شده باشد. موافقت نامه‌های بین المللی مانند کاهش انتشار دی اکسید کربن، شهروندان را ترغیب به استفاده بیشتر از حمل و نقل عمومی و رانندگی کمتر می‌کند. (7) گسترش حقوق و وظایف رسمی شهروندان یا کسانی که معتقد به اکولوژیک هستند از طریق مشارکت بین نهادهای دولتی، بهترین شهروندان اکولوژیک را تعریف و تشکیل خواهد داد (1). در کلیه نظریه‌های شهروندی زیست محیطی، شهروندان به عنوان بازیگران اصلی برای تغییرات اجتماعی و محیطی در نظر گرفته می‌شوند و از آنها خواسته شده تا با رها کردن کالاهای خاص، تلاش خود را برای محیط زیست انجام دهند. ایجاد تغییر در شیوه زندگی شخصی راهی برای کاهش تاثیر آنها بر محیط می‌باشد (28). با توجه به سبک زندگی شهروندان به ویژه فعالیتهای روزمره دارای تاثیر بر زیست محیطی و اجتماعی، علت اصلی مشکلات زیست محیطی، فشار در مسئولیت فردی می‌باشد نه بر مسئولیت جمعی گمراه کننده که افراد را در موقعیت های اجتماعی و جغرافیایی بسیار متفاوت قرار می‌دهد. نظریه تغییر شخصی به علت فراهم آوردن بستر اجتماعی برای فعالیت های شهروندان باید بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد چون ممکن است شهروندان نتوانند مطابق ترجیحات خود آزادانه انتخاب کنند (29). تابعیت محیط زیست نمی‌تواند فقط موضوع شخصی باشد بلکه مستلزم اقدام جمعی با هدف تولید

عامل است: ۱- توجه به همه ابعاد حقوق بشر ۲- توجه به مسئولیت های ناشی از حقوق بشر ۳- نقش دولت و سایر نهادها ۴- توجه به فرایند و نتیجه ۵- توانمندسازی ۶- تحلیل علمی ۷- نقش ارتباطات (31). به طور کلی می توان دو شکل از مسئولیت را برای دولتها تصور کرد: الف) مسئولیت دولتها در رابطه با نقض تعهدات بین المللی که از نقض وظیفه رعایت استانداردها ناشی می شود و ب) مسئولیت دولتها برای آثار زیان بار فعالیت های قانونی که مفهومی جزئی تر و جدیدتر است. مسئولیت بین المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه که حاوی نوعی ارتکاب فعل متخلفانه است در واقع همان نقض قواعد و اصول بین المللی محسوب و در قالب مسئولیت های بین المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه مطرح می شود (32).

قوانین اشاره شده جمهوری اسلامی ایران در مورد حقوق شهروندی و محیط زیست:

در ایران تصویب نخستین قانون مربوط به محیط زیست به سال ۱۳۳۵ بر می گردد که تحت عنوان قانون شکار درج گردیده است و پس از آن قوانین متعددی در این زمینه به تصویب رسید که نشانگر اهمیت توجه به بحث محیط زیست است (21).

الف) منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری ۱۳۹۵:

۱- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی:

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

۲- محیط زیست سالم و توسعه پایدار:

ماده ۱۱۲- حفاظت از محیط زیست - که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد - وظیفه همگانی است از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیبا سازی محیط زیست و

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد و شرایط تصمیم شهروندان به روشی پایدار و عادلانه باشد (2). با این حال، تمرکز بر مسئولیت جمعی و تغییرات سیستمی همراه با درک شهروندی اکولوژیکی به عنوان یک عامل بالقوه برای چنین موارد تحول ساختاری، به معنای نفی اهمیت وظایف شخصی نیست و تعهدات تغییرات سبک زندگی و کنش جمعی می تواند متقابلاً تقویت کننده باشد (27). در حقیقت مشارکت و انگیزه شهروندان به عنوان ضروریات اقدامات جمعی برای محافظت از محیط زیست است. پذیرش شخصی مسئولیت پذیری و عمل بر این اساس می تواند به افزایش آگاهی شهروندان کمک کند (30). تابعیت زیست محیطی باید از فرد فراتر رود تا ارتقاء آن همیشه شیوه های زندگی ها را بپذیرد زیرا تلاش می کند حوزه خصوصی را در قلمرو خود بگنجانند. تأکید بر وظایف فردی بر بستر اجتماعی و نادیده گرفتن ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بسیار مخاطره آمیز است و از مباحثه در مورد روابط ناعادلانه جلوگیری می کند. (۲۹) مشخصه دیگر محیط زیست، شناخت حقوق و مسئولیت ها است آن هم فراتر از مرزهای ملی. همه حق تساوی از استفاده از منافع محیط زیست را داریم. حقوق و مسئولیت ها یک مساله واقعاً بین المللی است تابعیت محیط زیست و مسئولیت های آن یک موضوع کاملاً بین المللی و بین نسلی می باشد. (۲) جدای از جنبه ی بین المللی حقوق محیط زیست، به واسطه اهمیت آن، نظامات داخلی کشورها نیز به آن معطوف است و دغدغه ی شناسایی اجرای آن را دارد. حسب ماهیت دوگانه ی حقوق همبستگی، نظامات حکومتی، و اقتدار ناشی از آن، نمی بایست تنها به رفتار شهروندان در بهره برداری از محیط زیست و برخورد قانونی با متجاوزان به محیط زیست محدود شود و حقوق عمومی بایستی راهکاری برای نظارت بر مقامات عمومی نیز در این زمینه ارائه دهد (19).

رهیافت حقوق بشر به برنامه ریزی محیط زیست، چارچوبی مفهومی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر است و از این رو دیدگاهی ارزشی به برنامه ریزی محیط زیست و حفاظت از محیط زیست را بسط می دهد. این ره یافت مبتنی بر هفت

با نگاهی مفسرانه بر مواد این قانون می توان نتیجه گرفت که اقامه دعوا ناشی از تضرر از طریق آلودگی زیست محیطی قابل پذیرش و قابل مطالبه جبران خسارت می باشد.

(و) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اصل ۵۰ این قانون، حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی دانسته و هرگونه فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست و تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند را ممنوع کرده است.

(ی) مصوبه شماره ۱۳۸ شورای عالی حفاظت محیط زیست در تاریخ ۱۳۷۱/۰۱/۲۳.

با نگاهی بر سوابق قضایی ایران، متأسفانه قوه قضاییه کشورمان نتوانسته است تاکنون به ایفای نقش قابل قبول در این زمینه که امروزه از بزرگترین دغدغه های بشری ست توفیق یابد.

مسئولیت بین المللی دولت ها در حقوق محیط زیست:

بر اساس حقوق مسئولیت بین المللی، کشوری که فعل یا ترک فعل مغایر با قوانین بین المللی به او منتسب است باید خسارات وارده به کشورهای متضرر را جبران کند در واقع نقص هر تعهد در حقوق بین الملل مسئولیت آور است. نکته قابل توجه در خصوص حقوق بین الملل محیط زیست، ابعاد و عناصر گوناگون آن و گستردگی موضوعات آن است بالاخص آن بخش از مسائل زیست محیطی که از ماهیت فرامرزی برخوردار است نظیر آلودگی های مرزگذر و تخریب بین المللی. محققان حقوق بین الملل مبادرت به ایجاد قواعد مربوط به مسئولیت و تعهدات دولتها خصوصاً در مورد پاسخگویی به موضوع تخریب و آلودگی های مرزگذر نموده اند و در این میان دولتها نیز بر اساس این نظام مسئولیتی از طریق توسعه موافقت نامه های بین المللی که به منظور جلوگیری از فعالیت های مضر به محیط زیست نظم یافته، دست به کار شده اند از سوی دیگر تا سیس دیوان کیفری بین المللی را می توان به عنوان یکی از اقدامات قابل توجه بین المللی در حمایت کیفری غیرآشکار محیط زیست دانست (33).

کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی و مشارکت ایران:

گسترش فرهنگ حمایت از محیط زیست حق شهروندان است. ماده ۱۱۳- هر شهروند حق بهره مندی از محیط زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده های محیط زیست را دارد. دستگاههای اجرایی برای کاهش آلاینده های زیست محیطی به ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می کنند. ماده ۱۱۴- هرگونه اقدام به منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راهها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تاثیرات زیست محیطی انجام شود. اجرای طرح های توسعه ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست محیطی خواهد بود.

(ب) بند د ماده ۶ حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳:

یکی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست را تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست می داند. (مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۱/۰۸/۲۴ راجع به ضرورت حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن).

(ج) بند الف ماده ۶۴ برنامه چهارم توسعه و بند الف ماده ۱۸۹ برنامه پنجم توسعه:

سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است که در راستای ارتقای آگاهی های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و تاکید بر گروه های اثر گذار و اولویت دار از ابتدای برنامه پنجم، آیین نامه اجرایی را به پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیات وزیران برساند.

(س) قانون مجازات اسلامی:

ماده ۶۸۶- تعیین مجازات جبران خسارت، جزای نقدی و حبس تعزیری برای قطع یا موجبات از بین بردن درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز.

(ش) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹:

۳- کنوانسیون سایتیس:

کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های حیوانات و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی در سال ۱۳۵۲ شمسی در واشنگتن آمریکا مورد تصویب قرار گرفت. هدف این معاهده اطمینان از آن تجارت حیوانات وحشی و گونه های گیاهی ارزشمند و در خطر انقراض، بقای آنها را دستخوش تهدید نکند. این کنوانسیون هم اکنون ۱۶۰ کشور را به عنوان عضو رسمی دارد. باید توجه کرد هیچ یک از گونه های تحت حفاظت این کنوانسیون از زمان اجرا درآمدن این پیمان بر اثر تجارت معدوم نشده و سالهاست که این معاهده در شمار مهمترین و پر دامنه ترین پیمان نامه های بین المللی بوده است.

۴- کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن:

در سال ۱۹۸۵ به دعوت سازمان ملل متحد نمایندگان ۲۱ کشور جهان و کشورهای عضو جامعه اروپا در وین گرد هم آمدند و مفاد معاهده ای که کنوانسیون وین نامیده شد، تدوین کردند.

نظارت بر اجرای تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون برای حفاظت از لایه ازن، هماهنگی و اتخاذ تدابیر و سیاست های مناسب برای تقلیل پخش و نشر موادی که بر لایه ازن اثر سوء دارند و تعیین چارچوب فعالیت های علمی و تحقیقاتی و مشاهدات نظام مند برای پایش پیوسته وضعیت لایه ازن، از اهداف این کنوانسیون است.

۵- پروتکل مونترال:

این توافق نامه به عنوان یک معاهده مستقل ولی متمم کنوانسیون وین در زمینه مواد مخرب لایه ازن است که در سال ۱۹۸۷ امضاء و دو سال بعد اجرا گردید.

۶- کنوانسیون بازل:

این کنوانسیون در باره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیان آور و دفع آنها در شهر بازل سوئیس در سال ۱۹۸۹ میلادی به امضای ۳۵ کشور شرکت کننده رسید.

۷- کنوانسیون تنوع زیستی:

کنوانسیون تنوع زیستی یکی از کنوانسیون های مهم و چارچوب دار سازمان ملل متحد می باشد که ذیل برنامه محیط زیست

رشد روزافزون آلودگی ها و تخریب محیط زیست و بروز بحران های پی در پی زیست محیطی باعث شد دولتها از حدود چهار دهه قبل به طور جدی به تکاپو افتاده تا چاره ای بیابند. به این ترتیب تاکنون حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت نامه بین المللی و منطقه ای در زمینه حفاظت محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است که از این میان حدود ۷۰ کنوانسیون و پروتکل جنبه جهانی داشته و مابقی منطقه ای می باشد. عزم جهانی برای حفاظت محیط زیست با تشکیل نخستین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست معروف به کنوانسیون استکهلم در سال ۱۹۷۲ در سوئد جنبه عینی پیدا کرد به طوری که حق برخورداری انسان از محیط زیست سالم همطراز با حقوق بشر شناخته شد. در این میان ایران نیز به تعدادی از کنوانسیون ها و پروتکل ها پیوست و سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ملی اجرای اکثر آنهاست.

۱- کنوانسیون تغییر آب و هوا:

کنوانسیون تغییرات آب و هوا با نام رسمی کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات اقلیم، یکی از مباحث مهم همایش زمین یا اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ در خصوص محیط زیست و توسعه محسوب می شود. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ میلادی در نیویورک منعقد شد. بر اساس این پیمان، کشورهای عضو مسئولیت های مشترک اما متمایز و متفاوتی بر عهده دارند. آنچه در این کنوانسیون به عنوان اساسی ترین الزام برای کشورهای توسعه یافته از اولویت برخوردار است عبارتند از اینکه سطح انتشار گازهای گلخانه ای توسط آنها در دو دهه اول سده ۲۰۰۰ میلادی به سطح سال ۱۹۹۰ برگردانده و تثبیت شود.

۲- کنوانسیون رامسر:

کنوانسیون مربوط به تالاب های مهم بین المللی به ویژه تالاب های زیستگاه پرندگان آبی. کنوانسیون تالاب ها معروف به کنوانسیون رامسر در سال ۱۳۵۰ در شهر رامسر مازندران با حضور ۱۸ کشور جهان مورد تصویب قرار گرفت. این کنوانسیون نخستین معاهده نوین جهانی بین الدولی پیرامون حفاظت و بهره برداری منطقی از منابع طبیعی است و هم اکنون ۱۳۴ عضو رسمی را در سراسر دنیا شامل می شود.

حفاظت محیط زیست در سراسر جهان را به خطرات تجارت و مصرف مواد شیمیایی بالقوه خطرناک از جمله سموم شیمیایی دفع آفات نباتی معطوف کرد. به منظور کاهش خطرات مواد مذکور، برقراری کد بین المللی نحوه توزیع و مصرف سموم در بیست و سومین اجلاس کنفرانس عمومی سازمان خواربار و کشاورزی جهانی فائو در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید.

۱۲- کنوانسیون آلاینده های آلی پایدار:

هدف از این پیمان، حذف و یا کاهش آلوده کننده های آلی پایدار و ممنوع کردن تولید، مصرف، صادرات، واردات و فروش آنها، مساعدت و ترغیب کشورها به اقدامات ملی و منطقه ای برای کاهش خطرات مواد مزبور، مساعدت به کشورها برای ایجاد صنایع پاکیزه به منظور جلوگیری و یا کاهش انتشار مواد مذکور، استفاده از جایگزین های مناسب، ترغیب کشورها به شناسایی منابع مواد آلی پایدار و نابود کردن آنها است.

۱۳- کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی:

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ در شهر لندن به امضای نمایندگان تعدادی از کشورها رسید. دولت ایران در سال ۱۳۷۵ با تصویب مجلس به آن پیوست. هدف از این کنوانسیون، کنترل و جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه و دفع مواد زائد و تشویق و حمایت از انعقاد قراردادهای توافق نامه های منطقه ای مکمل این کنوانسیون است.

اسناد جهانی تجارت بین الملل و مقوله محیط زیست:

در واقع مباحثات و مناظرات بین تجارت و محیط زیست از حدود بیش از دو دهه پیش ظاهر شده است، هنگامیکه یکسری از اختلافات، تنش هایی را بین اهداف رقابتی آزاد سازی تجاری و مقررات زیست محیطی پدیدار کرد.

۱- گات:

در سال ۱۹۴۷ میلادی به امضا رسید و به هیچ وجه حفظ منابع طبیعی را بیان نداشت و در هیچ جای این سند به حفاظت از محیط زیست به طور اخص اشاره نشده است (34).

۲- موافقت نامه تاسیس سازمان تجارت جهانی:

ملل متحد به درخواست جامعه بین الملل در سال ۱۹۹۲ و در اجلاس سران زمین در ریودوژانیرو به تصویب رسید. تا قبل از این، کنوانسیون ها یا معاهده های مختلفی در ارتباط با تنوع زیستی در سطوح مختلف بین المللی ایجاد شده بود اما ضعف تمامی این کنوانسیونها و معاهدات این بود که تک بعدی بودند و تنها بخشی از تنوع زیستی را پوشش می دادند در نهایت این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ تصویب و اجرایی گردید و به غیر از کشورهای ایالات متحده آمریکا و واتیکان، تمامی کشورهای دنیا عضو این کنوانسیون هستند. ایران در خرداد سال ۱۳۷۵ به طور رسمی به این کنوانسیون پیوست.

۸- کنوانسیون حمایت از میراث طبیعی:

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ در شهر پاریس به تصویب رسید. عمده ترین نکته مورد نظر کنوانسیون این است که ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه جهان می شود.

۹- کنوانسیون بیابان زدایی:

هدف از این کنوانسیون بیابان زدایی و کاهش اثرات خشکسالی در کشورهایی است که به طور جدی با خشکسالی و بیابان زایی به خصوص در آفریقا مواجه هستند. از این طریق اقدام موثر در تمام سطوح با حمایت و همکاری بین المللی و ترتیبات مشارکت در چارچوب یک رویه جامع همسو با دستور کار و به منظور کمک به دستاوردهای توسعه پایدار در مناطق آسیب دیده صورت می گیرد.

۱۰- پروتکل کارتاها:

پروتکل ایمنی زیستی یا کارتاها در سال ۲۰۰۰ میلادی در مونترال کانادا به تصویب نمایندگان کشورهای عضو رسید. بر اساس این کنوانسیون، کاربری سالم و بی خطر روشهای فناوری زیستی بیولوژیکی به نحوی که این روش ها و یا فرآیند آنها تاثیر زیانباری بر محیط زیست نداشته باشد، مورد تاکید قرار گرفته و از تعهدات کشورهای عضو شمرده شده است.

۱۱- کنوانسیون روتردام:

کنوانسیون گسترش تجارت جهانی در دهه های ۱۹۶۰ و ۷۰ توجه مجامع بین المللی و سازمان های دولتی و غیر دولتی

داد و همین عمل را در مورد کنوانسیون تنوع زیستی نیز تکرار کرد (38).

بررسی زیست محیطی اسناد منطقه ای تجارت بین الملل:

۱- اتحادیه اروپا :

اساس اقتدار مقررات زیست محیطی در اتحادیه اروپا به مقررات معاهده رم ۱۹۷۵ و معاهده ماستریخت، ۱۹۹۲ بر می گردد. در حقیقت معاهده رم ادغام محیط زیست را در سایر سیاست های اتحادیه توصیه کرد ولی از معاهده ماستریخت بدین سو ، حفاظت از منابع طبیعی شکل واقعی به خود گرفت از طرفی با تصویب و لازم الاجرا شدن معاهده ماستریخت ، در اروپا پیشرفت های جدیدی در خصوص توجه به محیط زیست صورت گرفت. در سال ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا آژانس زیست محیطی اروپا را ایجاد کرد که مقر آن در کیندهاک دانمارک واقع است. استراتژی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ به عنوان اروپا ۲۰۲۰ با هدف رسیدن به یک رشد هوشمند، پایدار و فراگیر راه اندازی شد. در این زمینه، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ ارتباط تجارت، رشد و امور جهانی که بر سیاست های تجاری اتحادیه اروپا برای حمایت سبز از توسعه و موضوع تغییر آب و هوایی تاکید می کند.

۲- کنوانسیون منطقه ای کویت:

برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی خلیج فارس، دریای عمان و قسمتی از دریای عرب در برابر آلودگی شکل گرفت. این یک کنوانسیون منطقه ای بین دولت های ایران، بحرین، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی است. آلودگی محیط زیست دریایی منطقه مشترک بین کشورهای مذکور توسط نفت یا سایر مواد مضر یا سمی ناشی از فعالیت های انسان در خشکی و یا دریا.

۳- نفتا (توافقنامه تجارت آزاد شمال آمریکا)

نفتا دارای یک سری مقررات محیط زیستی است که به مدیریت منابع طبیعی و کنترل آلودگی می پردازد. اعضای آن آمریکا، کانادا و مکزیک هستند. به دلیل اینکه مساله کنترل آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی از موضوعات حساس و اساسی در نفتا

طبق این موافقت نامه استفاده مطلوب از منابع جهانی وقتی مجاز است که طبق اهداف توسعه پایدار در راستای حمایت و یا حفاظت محیط زیست باشد (35).

۳- موافقت نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی:

ماده دوم این موافقت نامه اشعار دارد که اعضاء حق اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی لازم به منظور حفاظت از سلامت و حیات انسان ها، حیوانات و گیاهان را دارند مشروط بر این که اقدامات مزبور با مقررات موافقت نامه های حاضر در تعارض نباشد (36).

4- موافقت نامه کشاورزی :

مقدمه موافقت نامه کشاورزی بیان می دارد که تعهدات مندرج در این سند با در نظر گرفتن ضرورت و نیاز حمایت از محیط زیست وضع شده اند. به علاوه مطابق ماده ۲۰ مذاکرات مربوط به برنامه های اصلاحی، مسائل غیر تجاری را نیز شامل می گردد که یکی از آن مسائل می تواند حفاظت از محیط زیست باشد.

۵- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات:

گتس، قواعد بنیادین تجارت کالاها را بر تجارت خدمات اعمال نموده است. طبق بند ب ماده ۱۴ گتس، چنانچه انجام اقداماتی برای حفاظت از سلامت و یا حیات انسان ها، حیوانات و گیاهان ضرورت داشته باشد، اعضاء سازمان تجارت جهانی مجاز به تصویب آن اقدامات هستند ولو اینکه در مغایرت با گتس باشد (37).

۶- موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق - مالکیت معنوی:

این موافقتنامه که قواعدی را برای حفاظت و اجرای حقوق مالکیت معنوی پیش بینی کرده است از طریق بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۷ خود مسائلی را در حوزه محیط زیست و حفاظت از آن مطرح کرده است. یکی از خلاء های زیست محیطی تریپس این است که شورای تریپس تاکنون از انجام هرگونه اقدامی برای اعطای مقام ناظر به نهادهای زیست محیطی مهم سربراز زده است برای مثال، شورا به تقاضای برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد برای بهره مندی از مقام ناظر در آن شورا پاسخ منفی

به شمار می آید یک تعداد گروه های زیست محیطی از آن حمایت می کنند در واقع نفتا اولین موافقتنامه چند جانبه و منطقه ای بود که به مساله حفاظت از محیط زیست پرداخت (39).

4- مرکوسور (بازار مشترک جنوب)

مخفف بازار مشترک جنوب است و تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین را در بر می گیرد. مرکوسور یک معاهده تجاری منطقه ای است که در سال ۱۹۹۱ بر اساس قرارداد آسونسیون، میان کشورهای برزیل، آرژانتین، اوروگوئه و پاراگوئه تاسیس شد. هدف از تاسیس مرکوسور ارتقای تجارت آزاد و تبادل آزادانه محصولات، نیروی انسانی و واحد پولی میان کشورهای عضو اعلام شده است. پیمان آسونسیون اظهار داشت که بازار مشترک با هدف ضمنی آزادسازی تجارت کالا، خدمات و عوامل سازنده بین کشورهای عضو و حذف موانع بر سر راه تجارت در میان کشورهای این بلوک معاملاتی، ایجاد شده است. این پیمان نیز هماهنگی کلان و جزئی سیاست های اقتصادی را پوشش می دهد و همچنین این پیمان درصدد هماهنگ کردن نظام قانونگذاری کشورهای عضو به منظور تقویت فرآیند ادغام می باشد (40). هرچند تلاش جهانی برای احترام به مقررات زیست محیطی و تعالی آن صورت گرفته اما سازمانهای منطقه ای در اجرای تعهدات زیست محیطی در تعامل با تجارت آزاد موفق تر بوده اند لذا در گسترش فعالیت های تجاری - زیست محیطی در سطح منطقه ای در آینده می توانیم امید بیشتری به تعامل محیط زیست و تجارت آزاد در سطح جهان داشته باشیم و تا تلاش های منطقه ای منجر به ایجاد اسناد قوام یافته و محکم در تضمین اعتلای محیط زیست نشوند، تلاش های جهانی بی فایده خواهد بود (41).

تغییرات آب و هوایی مشکل اصلی زیست محیطی پیش روی بشریت است. تغییرات آب و هوایی و تغییراتی که در نتیجه آن به وجود خواهد آمد بر تمام جنبه های زندگی همچنین راههای تولید و مصرف بشر تاثیر دارد. این مساله بر اشتغال تاثیر خواهد داشت بنابراین اتحادیه های اصناف و کارگران به منظور اطمینان از مشارکت بهتر در مذاکرات و اقدامات پیشنهادی که موجب تقویت مبارزه تغییرات آب و هوایی خواهد شد باید نتایج

این اختلالات را دریابند. تحولات آینده حقوق بین الملل، متأثر از انواع تهدیدهای زیست محیطی و مسائل حقوقی و سیاسی مرتبط خواهد بود که در مجامع مختلف تجلی می یابد (42). حقوق بین الملل به واسطه انعقاد توافقنامه های تخصصی در حوزه های گوناگون همچون حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق تجارت بین الملل گسترش یافته است. حقوق بین الملل محیط زیست هموز به حد کافی توسعه نیافته و جایگاه حقوقی بسیاری از اصول محیط زیستی همچون احتیاط کماکان بحث برانگیز است. در توافقنامه های بین المللی محیط زیستی، اصل احتیاط به عنوان رهیافتی اساسی پذیرفته شده است که میان توسعه ی فنی و نوآوری از یک سو و حمایت از محیط زیست از سوی دیگر تعادل برقرار می کند (43). حقوق بین الملل بشردوستانه با ایجاد و گسترش قواعد مقرراتی و عرفی در زمینه ی حفاظت از محیط زیست در خلال مخاصمات، به ویژه در برابر مقابله به مثل، کوشش نموده است تا به حراست و حمایت از زیستگاه بشریت و منابع طبیعی تکرار نشدنی کره زمین بپردازد. بارزترین مقررات بازدارنده در این زمینه به طور مستقیم و مطلق، مقابله به مثل مسلحانه علیه محیط زیست را منع می کند، در ماده (۲) ۵۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و بند ۱۰ ماده ۱۰۰۶ دستورالعمل ۱۹۹۹ صلیب سرخ منعکس شده است. رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری در رای مشورتی سلاح های هسته ای ۱۹۹۶ نیز مؤید ممنوعیت مصرح در ماده (۲) ۵۵ پروتکل اول است (44). در چارچوب سیستم ایمنی هسته ای روند توسعه هنجاری در زمینه نیل به توسعه پایدار زیست محیطی آغاز شده است و سازگاری قابل توجهی با اصول حقوق بین الملل توسعه پایدار در این حوزه به چشم می خورد اما به لحاظ عملی مشخص است در پرتو واقعیت های عینی موجود، انرژی هسته ای با اتکا بر تکنولوژی هسته ای موجود هنوز با الزامات حقوق بین الملل توسعه پایدار سازگار نمی باشد. حادثه نیروگاه فوکوشیما نشان داد که حتی پیشرفته ترین کشورها نیز تا به امروز نتوانسته اند رعایت الزامات توسعه پایدار مندرج در اسناد بین المللی را در عمل تضمین نمایند (45).

نتیجه گیری و پیشنهاد

محیط زیست به عنوان حقی بر شهروندان جهان و نسل آینده دارای اهمیت بی مثال می باشد که به تبع آن ایجاد تحول حقوق و تکالیف مربوط به آن چه در حقوق داخلی کشورها و چه در حقوق بین المللی، از مسایل پر اهمیتی است که محققان و کارشناسان داخلی و بین المللی را وا داشته است تا در جهت رشد و کمال آن اقدام نمایند. مقوله محیط زیست در سطح بین المللی نیاز به همکاری دولت ها و مشارکت شهروندان را دارد به عنوان نمونه مساله آلودگی و تخریب لایه ازن هیچ حد و مرز و قلمروی حکومتی نمی شناسد و به موجب اصول ابتدایی حقوق بین الملل، مسئولیت اینگونه مسائل تنها بر دوش حکومت ها می باشد و متخصصان حقوق بین الملل درصدد توسعه یک طرح مسئولیتی بین المللی برای تنظیم این چنین قواعد مرز گذر بوده اند و در این زمینه به تدوین مقرراتی از حقوق بین المللی عرفی برای تبیین وظایف قانونی دولت‌ها برای جلوگیری از زیانهای عمده محیط زیستی مرز گذر پرداخته اند هرچند با موفقیت چندانی مواجه نبودند. برای اینکه یک انسان به عنوان شهروند جهانی به این فهم برسد که چگونه با رفتارهای فردی خود تاثیر جمعی (مثبت یا منفی) خواهد گذاشت باید از بدو تولدش برنامه ریزی نمود از زمانی که هنوز توانایی آسیب رساندن یا تخریب و به طور کلی ارائه رفتار فردی و تاثیر جمعی اش بروز نکرده است. همچنین باید گونه ای از نگرش آموزشی را در ابتدا برای او ایجاد نمود به طوری که بعد از مرحله آزمون و آموزش، تفهیم کامل موضوع این برنامه ی طولانی مدت حاصل گردد. نگرش های زیست محیطی افراد نقش بسیاری در حفظ و بهینه سازی محیط بوم شناختی انسان دارد. برای جلوگیری از آسیب محیط زیست و ارزش انگاری زیست محیط باید رفتار انسان ها را به سمت و سوی ابعاد طبیعت گرایانه تغییر داد. دستیابی به این تغییرات رفتاری نیازمند شناخت نگرش افراد به آن است. با افزایش آموزه ها و اطلاعات زیست محیطی افراد به عنوان یک شهروند موثر، عامل موثری برای بهبود وضعیت و حفاظت محیط زیست می باشد. بر این اساس دانش زیست محیطی را می توان ((دانش عمل زیست محیطی)) نام

داد، دانشی با انگیزه ی درونی آن هم در اثر آگاهی. مطلب بسیار مهم اینکه تا امروز چه موانعی راه دستیابی این نگرش یعنی شهروندگرایی اکولوژیکی را کند نموده است و تشکیل دهنده ی زیر بنای این موانع چه مواردی است و به چه دلایلی هنوز رفع موانع نگردیده است؟ بی گمان منفعت های اقتصادی و سیاسی کلان، آن هم در حدود حکومتی می تواند دلیل نارسایی های این هدف بزرگ باشد. زمانی گونه ای اهداف نظامی و سیاسی مانع ایجاد نگرش بین المللی این موضوع می شود و زمانی دیگر منفعت های اقتصادی حاکمیت در برقراری توازن بین محیط زیست شهری و نظم بخشی به زیست گاههای بزرگ انسانی موفق نبوده است. با بهره گیری از نیروی نهفته در جامعه می توان وضع موجود را به مطلوب تغییر داد. رهاورد حقوق شهروندی، مشارکت ورزی افراد در شهرسازی، مدیریت شهری و کوشش برای برقراری حاکمیت قانون و حذف مدیران ناشایست است. شهروند سازی و حرکت به سوی یک نظام قانونی، کارآمد شفاف و جامع، مسیر رسیدن به شهرهای عدالت محور، قانونمدار، امن و سازگار با محیط را فراهم می کند.

References

1. Dobson, Andrew. 2005. Citizenship. In, Andrew Dobson and Robyn Eckersley(eds.), Political Theory and the Ecological Challenge. Cambridge: Cambridge University Press, p. 481-561. Valencia Sáiz, Ángel. 2005. Globalisation, cosmopolitanism and ecological citizenship. Environmental Politics 14(2), p163-178.
2. Dobson A. 2003. Citizenship and the Environment. Oxford University Press: Oxford.
3. Smith, Graham. 2003. Deliberative Democracy and the Environment. London: Routledge.
4. Dobson A, Bell D (eds). 2006. Environmental Citizenship. MIT Press: Cambridge, MA.

- and Derek Bell (eds.), *Environmental Citizenship*. Cambridge, MA: The MIT Press, p. 1-17.
15. Jackson T. 2005. *Motivating Sustainable Consumption*. Sustainable Development Research Network: London.
 16. Berglund C, Matti S. 2006. Citizen and consumer: the dual role of individuals in environmental policy. *Environmental Politics* 15(4): p 550-571.
 17. Kamiyar Gholamreza, *Administrative law of property expropriation for the public*, Tehran, 2015. (In Persian)
 18. Karimi Abbas and Kamiyar Alireza, *urban environment in the light of citizenship rights*, Al-Zahra Publications, vol. 40, p. 81, Spring 2016. (In Persian)
 19. Adalat Jo Tahmina and Asmati Zainab, *analysis of the role of handwritten documents and laws of development programs of the Islamic Republic of Iran in environmental protection*, pp. 2 and 1 of 2018. (In Persian)
 20. Habibi Hassan *International Law, General*, Volume II, 1382 Information Publications. (In Persian)
 21. Fahimi Azizaleh, *philosophy of environmental law and its works*, Qom University Scientific Quarterly, No. 3, p. 108, 1387. (In Persian)
 22. Hoffman, Andrew John. *Sandelands, Lloyd (2004), Getting Right with Nature: Anthropocentrism, Ecocentrism and Theocentrism*, *Organization Environment*, Vol. 18, No. 2: p1-22
 23. Javadi Amoli Abdullah *Islam and Environment*, 1388-p48. (In Persian)
 24. Dariush Rezapour, Alireza Golestani, Mohammad Gholami, Hassan Saadatpour, *Factors affecting citizens'*
 5. Hailwood, Simon. 2005. *Environmental citizenship as reasonable citizenship*. *Environmental Politics* 14(2), p 195-210.
 6. Barry J. 1999. *Rethinking Green Politics*. Sage: London.
 7. Barry, John. 2006. *Resistance is fertile: From environmental to sustainability citizenship*. In, Andrew Dobson and Derek Bell (eds.), *Environmental Citizenship*. Cambridge, MA: The MIT Press, p. 21-48.
 8. Bell, Derek. 2005. *Liberal environmental citizenship*. *Environmental Politics* 14(2), 179-194.
 9. Seyed Abbas Porhashmi, Farhad Dabiri, Yalda Khalatbari and Saharzare, *Formation and development of the concept of rights of "future generations" in international environmental law*, *Journal of Environmental Science and Technology*, Volume 18, Number 3, Fall 2015. (In Persian)
 10. Janet Blake and Amir Pahanandeh, *The Effects of Environmental Laws in the Anthropocene (Neo-Human) Period*, *Environmental Sciences Quarterly*, 17th Volume, Number 3, Autumn 2018, pp. 15-28. (In Persian)
 11. Barzegar Sepideh, *the role of the environmental citizen in improving the quality of the urban environment*, 2015, pp. 5 and 2. (In Persian)
 12. van Steenburgen, Bart. 1994. *Towards a global ecological citizen*. In, Bart van Steenbergen (ed.), *The Condition of Citizenship*. London: Sage, p.141-152.
 13. Saward, Michael. 2001. *Reconstructing democracy: Current thinking and directions*. *Government and Opposition* 36(4), p 559-581.
 14. 14-Dobson, Andrew and Derek Bell. 2006. *Introduction*. In, Andrew Dobson

- volume 23, number 2, summer 2018 (in Persian)
33. Porhashmi and Mousavi, International Responsibility of Governments in Environmental Rights, Volume 7, Number 15, pp. 75-90, 2019. (In Persian)
 34. Mark wu & James salzman, The next generation of trade and environment conflicts: The rise of green industrial policy, p in US.A, p108, no.2, Northwestern university law Review, 2014.rinted
 35. Naghizadeh Alireza and Nouri, Mostafi, review of environmental approaches from the perspective of international trade law and international investment law, the first national conference on environment, energy and biological defense, page 5, 10/10/2013. (In Persian)
 36. EPPS, Tracy, "Reconciling Public and WTO Rules under the SP Agreement", World Trade Review, Vol. 7, 2008.
 37. Mahmoudi Kurdi, Zahra, the position of the environment in the World Trade Organization, Public Law Research Journal, vol. 41, p. 171, 20. (In Persian)
 38. Laurence R., Helfer, Meduating Interactions in an Expanding International Intellectual property regime, Law, p36(1), 2004.
 39. Schommer, Hena, "Environmental standards in U.S free trade agreements: lessons from chapter 11", sustainable development law and policy, vol.8, issue 1 fall 2007: federal environmental policy.
 40. Oliveria, Celso Marande, battistello espidola, isabela, "Harmonization of legal environmental standards in mercosur countries ", *Ambien & Sociedad*, sao Paulo, 4, 2015
 - awareness of the concept of citizenship rights, Winter 2018, Farhangian University Research Quarterly, first period, no. II p. 49. (In Persian)
 25. MacGregor, Sherilyn. 2006a. *Beyond Mothering Earth: Ecological Citizenship and the Politics of Care*. Vancouver: UBC Press. (In Persian)
 26. Szerszynski, Bronislaw. 2006. *Local landscapes and global belonging: Toward a situated citizenship of the environment*. In, Andrew Dobson and Derek Bell(eds.), *Environmental Citizenship*. Cambridge, MA: The MIT Press, p. 75-100.
 27. Luque, Emilio. 2005. *Researching environmental citizenship and its publics*. *Environmental Politics* 14(2), p212-225.
 28. Latta, P. Alex. 2007. *Locating democratic politics in ecological citizenship*. *Environmental Politics* 16(3), p377-393.
 29. Seyfang, Gill. 2005. *Shopping for sustainability: Can sustainable consumption promote ecological citizenship?* *Environmental Politics* 14(2), p290-306.
 30. Light, Andrew. 2001. *The urban blind spot in environmental ethics*. *Environmental Politics* 10(1), p7-35.
 31. Ziyaddin Almasi and Nasreen Mosfa and Majid, Makhdoom approach to environmental planning based on human rights, *Faculty of Law and Political Science Journal*, No. 4, Winter 2019, pp. 311-327. (In Persian)
 32. Seyyed Baqer Mir Abbasi and Mohammad Reza Rezaei, the international responsibility of governments due to environmental destruction in international armed conflicts, comparative law research,

44. Mehtab Dizak and Seyed Hessamuddin, Language approach to international law international humanitarian to armed countermeasures against the environment, Legal Research Quarterly, No. 87 of 2017. (In Persian)
45. Hojjat Selimi Turkmani, interaction and confrontation between international environmental law and international nuclear law) Fukushima nuclear accident, Relations Studies Quarterly International Journal No. 46, Summer 2018, pp. 177-205. (In Persian)
41. Mahmoud Jalali et al., the relationship between free trade and environmental protection in international law, Journal of Comparative Law Research. Volume 22, Number 3, Fall 2017. (In Persian)
42. Ali Mashhadi and Azadeh Rostgar, Climate Change, Human Rights and the Necessity of Establishing the International Court of Environment, International Political Research Quarterly of the University, Azad, Number 35 of 2018, pp. 62-141. (In Persian)
43. Jeanette Elizabeth Black and Fatemeh Rezaipour, the effect of the precautionary principle in solving inter-sectoral environmental trade conflicts on the integrity of international law, volume 49, number 4, winter 2018, pp. 1003-1023